

عنوان مقاله:

جایگاه ادبی و اجتماعی ورزش در ادب پارسی

محل انتشار:

اولین همایش ملی علوم ورزشی و تربیت بدنی ایران (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسنده:

غلامرضا حیدری - استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی اهر

خلاصه مقاله:

واژه ورزش و مصدر اصلی ورزیدن و دامنه وسیع برساخته ها و ترکیبات متنوع صرفی و معنایی آن، به علت بسامد و تکرار فراوان در ادب پارسی، چه از نظر ادبی و چه از نظر اجتماعی، از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است که پرداختن بدان، اهمیت و توجه ادبیات پارسی بهمقوله ورزش را بیشتر نمایان می کند. ورزش، شاید از نظر معنایی، کاربرد وسیع لغوی دیروز را از دست داده باشد و امروزه در جایگاه خاص تخصصی، آن هم با یک سری معانی جدید و محدودتر نسبت به گذشته، و صرفاً در معنای اختصاصی «اجرای مرتب تمرین های بدنی به منظور تکمیل قوای جسمی و روحی و یا تمرین و مشق و انجام هرکار مداوم برای هنرمند و کامل شدن و یا ریاضت و حرکات و اعمال مخصوص روزانه برای قوت اعمال بدنی و ...» در ادب پارسی و جامعه به کار برود، اما ماهیت اصلی خود را از طیف بسیار وسیع معنای ادبیات دیروز که به نوعی زیربنای تعابیر امروزی است، از دست نداده است. اگر امروزه رشته های مختلف و متنوع ورزشی با تعاریف خاص خود، به عنوان فعالیتیدر کنار دیگر فعالیتهای اجتماعی بشر از جایگاه ویژه ای برخوردار است اما در اجتماع دیروزی، گذشته از آن که اثری از این رشته های متنوع ورزشی امروزی نیست، باوجود محدودیت رشته های ورزشی، دیگر این رشته ها در کنار فعالیتهای اجتماعی بشر قرار نمی گیرد و خود جزویاز فعالیت اجتماعی و اصلا خود زندگی و حیات است. مثلاً کشتی گرفتن، اگر امروزه ورزشی است تخصصی که در میادین ورزشی در کنار دیگر فعالیتهای اجتماعی، برای کسب افتخار ورزشکار انجام می گیرد، دیروز جدای از خصلتها و منشهای پهلوانی، در میدان جنگ و رزم، حکم مرگو زندگی داشت و مجالی برای اندیشیدن، تأمل و اجرای فنون و تکنیکهای پیچیده امروزی برای جنگجو نبود و چه بسا کوچکترین تعلل وضعف به قیمت از دست دادن جان آن شخص تمام می شد. اگر رشته های ورزشی ای از این دست، چون تیراندازی، پرتاب نیزه (نیزه اندازی)، شنا، سوارکاری، شنا و... امروزه جزوی از فعالیتهای اجتماعی بشر در کنار دیگر فعالیتهای او و افتخار آفرین هر ورزشکار محسوب می گردد اما در ساختار اجتماعی دیروز جزو لاینفک زندگی بشری و حتی وسیله ای برای کسب و کار و تداوم زندگی به حساب می آمد. البته برخی از اینورزشها همچون شطرنج، نرد، چوگان و... با وجود مهارتها و هنرمندی های خاص خود از دیدگاه اجتماعی و ادبی دیروز نه تنها حیاتی نبود بلکه جنبه تفریحی و خوشی و مسرت خاطر داشت و چه بسا اشرافی هم بود. در ادب پارسی، عدم پرداختن به ورزش و تحرکات جسمانی، ناپسند و قبیح است و سستی و کاهلی و تن پروری از ویژگی های زشت بشری محسوب می شود. انسان تن پرور و تن آسا و سست، انسانی بی دین، بیروح، بی خرد، سرافکنده و بیمار است. در این مقاله کوتاه برآنیم جایگاه و اهمیت اجتماعی ورزش و برخی از فعالیتهای بدنی و جسمی را از منظر ادبی با ارائه شواهد گوناگون ادبی، در ادب پارسی بکاویم.

کلمات کلیدی:

ورزش، اجتماع، ادبیات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/419427>



